

* اسلام و راه کارهای کنترلی گزینش عقلانی*

□ ابراهیم عباس پور^۱

چکیده

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ‌های قرآن کریم و روایات اهل‌بیت^{علیهم السلام} به پرسش‌هایی است که در روایت‌های گوناگون رویکرد گزینش عقلانی، پیرامون متغیرهای اثرگذار در کنترل کج روی مطرح است. لذا محورها و پرسش‌های اساسی مورد نظر در این روایت‌ها را گردآورده و آنها را در فهرستی موضوعی دسته‌بندی کرده‌ایم. برای این کار، گزینش عقلانی را در نظریه‌های مختلف که به نحوی مرتبط با بحث گزینش و عقلانیت بود بررسی کردیم؛ نظریه‌هایی که نقش انسان را در گزینش‌های او مورد بررسی قرار داده‌اند و با وجود اثرگذاری ساختارها و عوامل دیگر، گزینش گری و تأثیر اراده انسان در محاسبه سود و زیان را خاطر نشان کرده‌اند. در چارچوب نظری این پژوهش، برای به دست آوردن مقوله‌های کنترلی مورد نیاز که بتوان آنها را به آیات و روایات عرضه کرد، به الگوهای کنترلی مطرح در نظریه گزینش عقلانی پرداخته‌ایم. در نهایت محورهای این نظریه را در قالب چند مقوله اصلی مشخص نموده‌ایم. دسته‌بندی مقوله‌ها براساس رویکرد کنترلی انجام گرفته و به سه راه کار پیش‌گیری موقعیتی و مجازات و طرد در این مورد اکتفا کرده‌ایم. مقوله‌ها به شکل پرسش بر قرآن کریم و منابع حدیثی شیعه، عرضه و

محصول در قالب توصیف دیدگاه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به آنها سامان‌دهی شده است. تحقیق از نوع «تحلیل محتوای توصیفی و کیفی» و هدف جزئی پژوهش «تحلیل محتوای قرآن و منابع روایی و تفسیری» است. موضوع نیز عبارت است از: «توصیف نگاه قرآن و احادیث شیعه پیرامون ابعاد نقش آفرینی «گزینش عقلانی» در کنترل کج روی.

واژگان کلیدی: آیات قرآن، احادیث شیعه، توانگیری، کنترل، گزینش عقلانی، مجازات، پیشگیری موقعیتی.

مقدمه

امروزه، ارتباط میان دین و نظریه‌های جامعه‌شناسی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی است. نظریات مختلفی در این باره ارائه شده است، طوری که اگر بخواهیم این اختلاف آراء را به صورت یک طیف مشخص کنیم، در یک سر طیف دیدگاه‌های کسانی قرار دارند که معتقد‌ند نمی‌توان میان این دو حوزه، ارتباط برقرار کرد و این دو حوزه ارتباطی با هم ندارند. به اعتقاد این افراد، تنها می‌توان دین را مطالعه جامعه‌شناختی کرد، که در این صورت، دین مانند سایر عرصه‌ها می‌تواند به عنوان مواد خام نظریه‌های جامعه‌شناسی قرار بگیرد.

در آن سر طیف، اندیشمندانی قرار دارند که معتقد‌ند، دین می‌تواند در این عرصه حضور داشته باشد و این به دلیل آن است که، دین علاوه بر هدایت معنوی انسان‌ها، برای زندگی اجتماعی آنها نیز راه کارهایی را ارائه می‌دهد و ما باید به کشف این راه کارها پردازیم و نظریه‌های جامعه‌شناسی، ما را در کشف این راه کارها و قوانین راهنمایی می‌کنند.

تحقیق حاضر در میانه این طیف قرار دارد. ما در این تحقیق هیچ کدام از این دو ادعا را دنبال نمی‌کنیم، بلکه راه میانه‌ای را انتخاب کرده‌ایم؛ از یک مسئله خرد جامعه‌شناختی در یک رویکرد کج روی (نظریه‌های گزینش عقلانی) شروع کرده و محورهای کنترلی این نظریه‌ها را استخراج کرده و سعی داریم تا این محورها را به صورت پرسش به منابع دینی ارائه کنیم و پاسخ‌ها را از منابع دینی

پی‌گیری نماییم؛ به عبارت دیگر، محورهای اصلی موجود در نظریه جامعه‌شناسی را به صورت مقوله‌هایی به آیات و روایات عرضه می‌کنیم و پاسخ‌ها را از متون دینی استخراج می‌نماییم تا دیدگاه متون دینی را در مورد راه کارهای کنترلی ارائه کنیم.

البته، با توجه به فرصت اندک و ضعف فراوان نگارنده، به این نکته هم معتبر فیم که کاری که ما در این تحقیق انجام می‌دهیم، به عنوان حرفنهایی منابع دینی و حتی پرسش‌هایی که ما با آنها به سراغ منابع دینی رفته‌ایم نیست، به یقین نکاتی وجود دارد که ما از آنها غفلت کرده یا در فهم و تحلیل آنها ناتوان بوده‌ایم، تنها ادعای ما این است که از مجموع منابع دینی که ما با کلید واژه‌های مشخصی به آن دست یافته‌ایم، این نکات را بیان کرده‌ایم و این سخن نهایی منابع دینی نیست. این تحقیق جزئی از یک هدف کلی است و باید تحقیقاتی از این دست انجام گیرد تا پس از آن بتوان به جمع‌بندی در این زمینه پرداخت.

کنترل اجتماعی از مفاهیم بسیار مهم و کلیدی در جامعه‌شناسی است و می‌توان گفت که مقصود نهایی همه مطالبی است که در نظریه‌های جامعه‌شناسی کچ روی از آن بحث می‌شود. چرا که منظور اساسی از این که رویکردهای مختلف جامعه‌شناختی به تبیین کچ روی می‌بردازند، این است که ابزار مناسب و کارامدی برای مقابله و کنترل کچ روی براساس این تبیین‌ها پیدا کنیم. کنترل اجتماعی مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین است که یک جامعه برای تضمین همنوایی رفتاری اعضای خود در برابر کچ روی با مجموعه‌ای از قواعد و اصول معین و دارای ضمانت اجرا در اختیار دارد (سلیمی و داوری، ۴۵۲).

تبیین‌های کچ روی، همواره پیوندی تنگاتنگ با درون‌مایه کنترل داشته‌اند، به طوری که همه نظریه‌های جرم در عین حال نظریه‌های پیش‌گیری از جرم هستند. آنها تنها در میزان تغییر مورد نیاز برای رسیدن بدین مقصود، با هم متفاوتند. تبیین‌های گزینش عقلانی بعد از بحث‌های مفصل در تبیین جرم و

〔ωλ〕

کچ روی، همانند سایر نظریه‌ها، راه کارهای کنترلی متناسب با اصول نظری خود ارائه کرده‌اند. ضمن این که، کلارک و دیگران (۱۹۹۸) مدعی اند نظریه‌های گزینش عقلانی به دلیل این که راه کارهای کنترلی شان، منافعی آنی برای جامعه دارد، از نقطه نظر سیاست‌گذاری جذاب‌ترند.^۱

رویکرد گزینش عقلانی، به پیروی از دیدگاه کلاسیک، با تکیه بر این ایده اساسی که کج روانه رفتار کج روانه را گزینش می‌کنند، این ایده را مطرح می‌کند که بالا بودن هزینه جرم، احتمالاً از ارتکاب جرم جلوگیری خواهد کرد. بنابراین، براساس این دیدگاه اگر بتوان افراد مستعد کج روى را به اين باور رساند که، دست کم، زيانها و هزينه‌های ناشی از اين رفتارها از منافع احتمالي آنها ييشتر است، آنها از رفتارهای کج روانه صرف نظر خواهند کرد. اين مضمون شالوده شكل گيری ايده‌های کنترلی اين رویکرد است و ما در اين تحقيق، به صورتی مختصر آنها را مورد بررسی قرار می‌دهيم.

یہ شدنا تحقیق

در این مورد تحقیقات محدودی انجام شده است، از جمله مقاله‌ای از نویسنده در مورد محورهای تبیینی نظریه گرینش عقلانی به چاپ رسیده است. مقاله دیگری از آقای دکتر سلیمی با عنوان «رویکردی کارکردی به دین: تأملی در سنجه‌های دینداری» که به چاپ رسیده است. پایان‌نامه‌هایی در سال‌های اخیر نوشته شده که همین روش و رویکرد را دارند، ولی ناظر به نظریه‌های مختلف می‌باشند: پایان‌نامه آقای هژبری «تحلیل محتوای نظریه پدیدارشناسی»، آقای علیرضا حسن‌زاده با مقاله «تحلیل محتوای نظریات کنترلی»، آقای صالحی‌زاده «تحلیل محتوای نظریه بزه‌دیدگی» و کتاب همنشینی آقای سلیمی که محورهای نظریه همنشینی افتراقی را با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار داده‌اند. همه این آثار و مقاله‌ها با رویکرد و هدف تحقیق حاضر نوشته شده و هدف واحدی

را دنبال می‌کنند، ولی حوزه فعالیت و عملکرد آنها تنها در قلمرو نظریه واحدی هستند و تحقیق حاضر قصد دارد تا خلاً موجود در این زمینه را ناظر به راه کار کنترلی مطرح در نظریه‌های گزینش عقلانی پر سازد.

روش تحقیق

روش انجام تحقیق «تحلیل محتوای توصیفی و کیفی» با مقوله‌های تحلیل «موضوعی» (ناظر به محتوای پیام‌های گزاره‌های دینی) است که با رهیافت قیاسی در تدوین مقوله‌های تحلیل (یعنی مقوله‌بندی براساس یافته‌های نظری و تجربی موجود در حوزه کنترلی گزینش عقلانی) همراه می‌باشد.

مجازات

نظریه‌پردازان کلاسیک معتقد بودند که بالا بودن هزینه جرم از ارتکاب آن جلوگیری خواهد کرد و افراد به دلیل ترس از مجازات بالقوه‌ای که نتیجه تخلف است، از آن خودداری می‌کنند. این نکته، مبنایی برای شکل‌گیری دیدگاه بازدارندگی از جرم شد^۲ که همچنان حضور مؤثر خود را در میان نظریه‌های گزینش عقلانی و در شکل دادن به راه کارهای کنترلی آن حفظ کرده است.

طرح برجسته‌ای که از مکتب فکری کلاسیک در تحلیل این راه کار به وجود آمد، نظریه بازدارندگی بود که اظهار می‌کند، هزینه مجازات باید متناسب باشد و وزن متناسبی به سود بالقوه‌ای بدهد که از طریق ارتکاب عمل مجرمانه به دست می‌آید. احتمالاً، اگر مجازات جرم کمی بیشتر از منافع محتمل قبل دسترس باشد، شخص عاقل از ارتکاب عمل سریا می‌زند.

در این زمینه، بکاریا معتقد بود:

مجازات باید به حد کافی سخت گیرانه باشد تا با منافع به دست آمده از ارتکاب جرم متعادل باشد. [در این خصوص] سرعت و حتمیت مجازات، اساسی هستند؛ و افراط در سخت گیری عملاً مضر است.^۳ اما این ایده بعدها با

تعدیل‌هایی جدی رو به رو شد. برای مثال، نظریه پردازان نئوکلاسیک در عین تأکید بر مجازات، به عنوان یک بازدارنده بر محدود کردن صلاحیت مجازات به عنوان یک بازدارنده عقلانی و مؤثر از جرم تأکید کردند. بعدها نیز کلارک به عنوان یکی از نظریه پردازان گزینش عقلانی، ادعا کرد که:

گذشته از ملاحظات اخلاقی و هزینه گزاف عوامل مربوط به توانگیری حبس، مصاحبه با حرزشکنان محکوم شده نشان می‌دهد که حتمیت دستگیری، و نه شدت مجازات، بازدارنده اصلی است.^۴

این تحولات سبب شده است که امروزه موارد زیر را شالوده اصل «بازدارندگی» یا «پیشگیری از جرم از طریق مجازات» بدانند:

۱. اعطای حق مجازات مجرم به جامعه، با تکیه بر اصل اختیار در مجرمان؛
۲. نفی مجازات‌های خشن و شدید و محدود ساختن آن به موارد معده؛
۳. توجه به ضرورت حتمیت، قطعیت و فوریت کیفر، به جای تکیه بر «شدت آن؟

۴. توجه به ضرورت مطابقت داشتن ضمانت اجراهای کیفری، با عدالت توجیه گر کفاره و مكافات در تعیین مجازات (اصل ضرورت عدالت)؛

۵. دادن اولویت مقابله به پیشگیری، با تکیه بر کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و نه قلع و قمع اعمال مقدماتی آن؛

۶. اولویت دادن به اصل بازدارندگی در تدوین مجازات؛

۷. جرم‌زدایی یا محدود کردن گستره مقررات کیفری به رفتارهایی که اجتماع سیزی‌شان آشکار است؛

۸. تمرکز بر حقوق بزه دیده و ورود مؤثر تدبیر زیر در بستر کنترل اجتماعی: محافظت مؤثر پلیس، اجرای هر چه بیشتر مجازات زندان و اولویت دادن به امنیت عمومی در مقابل حقوق فردی؛

۹. توجه به ضرورت تحول در وضع اقتصادی و اجتماعی جامعه به عنوان

متغیری اساسی در کاهش میزان جرم (سلیمی و داوری، ص ۴۶۴).

با توجه به ایده عقلانیت در نظریه‌های گرینش عقلانی، هر سیاست کنترلی احتمالاً شامل نوعی مجازات به اندازه کافی خشن برای منصرف کردن افراد «عقلانی» از شرکت در چنین اعمالی خواهد بود. تعدادی از اصلاحات کنونی قانون‌گذاری مبتنی بر این اصل هستند و به ویژه از طریق سیاست‌های «سخت‌گیرانه» از نگاه این نظریه قابل اجرا هستند. مثال بر جسته این سیاست‌ها، «قانون سه ضربه»^۵ است که براساس آن، افراد عاقلی که پیش از این مرتکب جرم شده‌اند، از فعالیت‌های مجرمانه بعدی خودداری خواهند کرد تا هزینه مرتبط با این نوع بروخورد بتوانند به نوعی مجازات ابد بیانجامد.

ایده بازدارندگی با توجه به آموزه حاکم بر آن - اصل راهبردی دیدگاه کلاسیک در آراء بکاریا و بتام که مدعی بودند تنها هدف مجازات، بازداشت مجرم از وارد آوردن صدمه بیشتر به جامعه و منصرف ساختن شهروندان جرم ناکرده از ورود در قلمرو جرم است (سلیمی و داوری، ص ۴۶۷) - در دو محور اصلی زیر مطرح شده است:

۱. بازدارندگی خاص: هدف این راه‌کار، بازداشت مجرمان از تکرار جرم و متنبه ساختن آنان است و آموزه حاکم بر آن، این است که مجازات، باید طوری باشد که فرد متنبه مرعوب گردد (همان، ص ۴۶۸). ایده اصلی بازدارندگی خاص این است که مجازات باید مؤثر باشد.^۶

۲. بازدارندگی عام: در این راه‌کار، از طریق رو به رو ساختن مرتکب یا مرتکبان احتمالی آن با خطر، دشواری و یا هرگونه عاملی که انگیزه آن عمل را از بین برد یا با آن مقابله کند، از انجام یا استمرار یک عمل جلوگیری می‌شود. در بازدارندگی عام، براساس همان رویکرد اقتصادی و حساب‌گرانه به کیفر، بر ارعاب عموم از طریق تهدید به مجازات و این نکته تأکید می‌شود که مردم باید بدانند رنج کیفر، از سود و لذت جرم بیشتر است. بدین ترتیب، آماج این راه‌کار،

عموم اعضای جامعه و به ویژه افرادی‌اند که می‌توان آنها را مستعد جرم به حساب آورد. هدف هم آن است که با ترساندن افراد از پیامدهای رفتار مجرمانه، آنان را از اندیشیدن بدین رفتارها بازدارند. بر این اساس، با تکیه بر دو نوع تهدید بالقوه و بالفعل به مجازات و سه ویژگی قطعیت، حتمیت، و سرعت آن، تلاش می‌شود تا مجازات را به عنوان یکی از هزینه‌های واقعی ارتکاب جرم در معادلات ذهنی آحاد جامعه وارد کنند (سلیمی و داوری، ص ۴۶۷).

افزون بر موارد یاد شده، رویکرد گرینش عقلانی با توجه به قابلیت گرینش افراد، اثرگذاری علل و عوامل پیرامونی را هم در کانون توجه خود قرار می‌دهد. لذا در راه کارهای کنترلی خود، کاهش میزان اثرگذاری‌های منفی آن علل را یکی از اهداف خود قرار می‌دهد. بدین ترتیب، هدف عمده راه کارهای کنترلی خود را «کاهش فرصت» جرم می‌داند. این ایده به ویژه خود را در دو محور پیش‌گیری موقعیتی و توان‌گیری نشان داده است.

پیش‌گیری موقعیتی

پیش‌گیری موقعیتی از جرم، اولین بار در سال ۱۹۸۰ در انگلیس و در الگوی گرینش عقلانی توسط کلارک و می‌هیو بنا نهاده شد و متکی بر این نظریه است که مشکلات مجرمانه خاص، دارای خصیصه منحصر به فردی هستند که می‌توان آن را مورد تحلیل قرار داد و در رسیدن به راه حل‌های مناسب از آنها بهره گرفت. این راه کار با نظریه فعالیت‌های روزمره شباهت‌هایی دارد؛ از جمله این که کانون توجه آن این نکته است که واقعی مجرمانه، موقعی رخ می‌دهند که مجرمان بالقوه با فرصت ارتکاب جرم، پیوند می‌خورند. در پیش‌گیری موقعیتی از جرم، هدف اصلی آن است که افرادی که در موقعیت ارتکاب جرم نسبت به آماج‌هایی خاص قرار می‌گیرند، قانع شوند که از آن رفتار یا، دست کم، از آن آماج دست بردارند.

آموزه زیربنایی این راه کار هم آن است که پیش‌گیری از وقوع جرم هنگامی

ممکن می‌شود که کج رو، آماج عمل مجرمانه خود را غیرقابل دسترس دانسته، یا منافع احتمالی آن را کمتر از زیان‌ها بیش بینند. اقدام‌های پیش‌گیرانه موقعیتی، برخوردهایی غیرکیفری، اغلب غیررسمی و دارای گستره‌ای فراگیرند که «موقعیت‌های پیش‌جنایی»، یعنی شرایطی را هدف قرار می‌دهند که زمینه را برای گذار از اندیشه به عمل مجرمانه فراهم می‌آورد و در پی آن، با تغییر در آن موقعیت‌ها فرایند تصمیم‌گیری مجرمانه را دست‌خوش تغییر و عقیم می‌سازند. بدین ترتیب، پیش‌گیری موقعیتی، توجهی به اصلاح شخصیت مجرم و تمایلات مجرمانه او ندارد و کانون توجه آن، موقعیت‌های ارتکاب جرم و آماج‌های بالقوه آن است (همان، ص ۴۶۴).

به طور خلاصه می‌توان گفت که پیش‌گیری موقعیتی جرم، دارای چهار مؤلفه زیر است:

۱. مبنای نظری که از فعالیت‌های روزمره و تصمیم‌های عقلانی استفاده می‌کند؛
۲. روش‌شناسی استاندارد مبتنی بر پارادایم تحقیقی کنش؛
۳. مجموعه‌ای از فنون کاهش فرصت یا تقویت آماج؛
۴. بدنی‌ای از اعمال ارزیابی شده، از جمله مطالعات تغییر مکان جرم.^۷

بر این اساس، گونه‌های مختلف اقدام‌های پیش‌گیرانه موقعیتی در سه محور زیر طراحی می‌شوند:

- تقویت آماج‌های مستعد بزه‌دیدگی و محافظت از آنها؛
- محدود ساختن و کنترل دسترسی افراد به فرصت‌ها و ابزارهای ارتکاب جرم؛
- تحت نظر داشتن افرادی که در موقعیت ارتکاب این گونه رفتارها قرار دارند.

پیش‌گیری موقعیتی، یکی از راه‌کارهای مهم کنترل رفتارهای کج روانه است.

در بیانی کلی، بیان گر از بین بردن زمینه گذار مجرم از اندیشه به عمل است؛ و به مرحله پس از تصمیم مجرم به ارتکاب جرم و قبل از تحقق عمل مجرمانه مربوط می‌شود که به معنی از بین بردن فرصت ارتکاب جرم است. در این مرحله، که فرد تصمیم قاطع به ارتکاب جرم گرفته، راه حل‌هایی به کار گرفته می‌شود تا از عملی کردن تصمیم خود منصرف شود؛ باید وضعیتی ایجاد شود که تحقق عمل مجرمانه را دشوار و پرخطر یا ناممکن سازد.

در منابع اسلامی، پیش‌گیری موقعیتی به عنوان یک شیوه مقابله با بزه‌کاری به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در عبارت فقهاء، این نوع پیش‌گیری با تعبیر دفع‌المنکر بیان شده است که آن را از نهی از منکر تفکیک نموده و در بیان مفهوم آن نیز به اهداف پیش‌گیری موقعیتی در نظریات نوین مانند ناتوان نمودن مرتکب و کاستن از جاذبه‌های مجرمانه اشاره نموده‌اند (میرخلیلی، ۱۳۸۳، ص ۳۷).

در پیش‌گیری موقعیتی، گاه تمرکز بر شخص بزه‌کار بوده و گاه آماج‌های در معرض بزه‌دیدگی مدنظر بوده و با حمایت و حفاظت از آنها از تتحقق عمل مجرمانه جلوگیری می‌شود و در مواردی نیز با تغییر شرایط محیطی اعم از مکان، زمان و...، مانع امکان تحقق جرم شده یا وقوع آن دشوارتر می‌گردد. بنابر این، مطالب پیش‌گیری موقعیتی را در تحت سه عنوان زیر، مورد بحث قرار می‌دهیم: راه کارهای بزه‌کار محور، راه کارهای بزه‌دیده محور و راه کارهای موقعیت محور.

راه کارهای بزه‌کار محور

بزه‌کار، به عنوان شخصی مختار و دارای قدرت تصمیم‌گیری که با وجود همه تدابیر پیش‌گیری اجتماعی می‌تواند تصمیم به ارتکاب جرم بگیرد، باید کنترل شود. در تعالیم و دستورات اسلامی علاوه بر تلاش در زمینه فرهنگ‌سازی و قرار دادن انسان‌ها در مسیر هدایت و رستگاری، راه کارهای غیرکیفری بازدارنده‌ای

در جهت بازداشت فرد مصمم به ارتکاب بزه در نظر گرفته شده است.

ناظارت فرائی

﴿٦٥﴾

در امور مربوط به مصالح اجتماعی، نظارت و کنترل بدون هیچ مسامحه‌ای مطلوب است. بازرسی نهانی و نظارت و کنترل دولتی در بسیاری از جرایم مانند ارتضا، اختلاس، باج خواهی، اعمال نفوذ ناروا، بازداشت غیرقانونی و مانند آن، مورد تأکید نظام کنترل اجتماعی اسلام است.^۸ از مهم‌ترین راه کارهای پیش‌گیری موقعیتی، قراردادن مأموران و اهرم‌های نظارتی در مواضعی است که وقوع جرم در آن محتمل است. برای مثال، پیامبر اکرم ﷺ روزی در بازار مدینه در کنار طبقی از گندم ایستاد و چون دست در آن فرو بردنده، به خاشاکی برخوردند. پس از تذکر به مالک گندم مبنی بر غش در معامله، او را از خیانت و تقلب با مسلمانان نهی کردند (حر عاملی، ج ۱۲، صص ۲۰۹-۲۱۰). همچنین نقل شده است که، پس از فتح مکه، رسول خدا ﷺ سعید بن عاص را در بازار به بازرسی در بازار مأمور به مراقبت کردند که از غش در معامله و کلاه‌برداری جلوگیری کند (الكتانی، ج ۱، ص ۲۸۵).

علی ﷺ پس از آن که به فرماندار خود در مورد رعایت همه جوانب امر نسبت به کارکنان، اعم از رفاه و غیره سفارش می‌کند، می‌فرماید:

«پس اعمال آنان را مورد بررسی و جست و جو قرار ده و مأموران مخفی را که اهل راست‌گویی و وفاداری هستند به سوی آنان بفرست، زیرا مقید بودن تو به بازرسی و امور سری با ایشان، آنان را به رعایت امانت و نرمی با مردم و ادار می‌سازد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۵).

همان طور که در این روایت دیده می‌شود، بازرسی و جست و جو در امور کارگزاران دولتی، که امور بیت‌المال مسلمین در دست آنهاست، یکی از مهم‌ترین موارد پیش‌گیری موقعیتی است که اگر کارگزاران به این بازرسی واقف باشند، دست از خیانت خواهند کشید.

شناساندن خطرات و تحریم مقدمات جرم

شناساندن خطرات و تحریم اعمالی که می‌توانند مقدمه ارتکاب جرم باشند، یکی از راه کارهایی است که در آموزه‌های اسلامی برای از بین بردن زمینه ارتکاب جرم و متوقف کردن مجرم در ابتدای انحراف، پیش‌بینی شده است. برای نمونه می‌توان به حرمت نگاه به نامحرم و خلوت کردن با او به عنوان مقدمه‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب فعل حرام باشد، در راستای پیش‌گیری موقعیتی از جرایم جنسی اشاره نمود.

خداؤند در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید:

﴿قُلْ لِلّمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَعْظُلُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكِيَ اللَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (نور/ ۳۰)؛ به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است، به طور قطع خدا به کارهایی که انجام می‌دهند آگاه است.

می‌توان دید که در این آیه خداوند به کوتاه کردن دامنه دید دستور داده است، چرا که دامنه دید چشم انسان زیاد است و نگاه به زن نامحرم در مرحله اول، نگاههای بعدی را برمی‌انگیرد که سرچشمه فتنه و انحراف است. پس خداوند با تعبیر زیبایی به دنبال پیش‌گیری از انحراف با بستن سرچشمه و مقدمه فعل حرام است. بدین معنا که صرف نگاه به نامحرم در نظام کنترل اجتماعی اسلام به عنوان مقدمه جرم، مورد تحریم قرار می‌گیرد تا از وقوع ذی‌المقدمه مجرمانه پیش‌گیری شود:

«يَعْضُوا»، از ماده «غض»، در اصل به معنی کم کردن و نقصان است و در بسیاری از موارد در کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته می‌شود. بنابراین آیه نمی‌گوید مؤمنان باید چشم‌هایشان را فرو بندند، بلکه می‌گوید باید نگاه خود را کم و کوتاه کنند، و این تعبیر لطیفی است به این منظور که اگر نگاه را از

صورت و اندام او برگیرد و چشم خود را پایین اندازد گویی از نگاه خویش کاسته است و صحنه‌های ممنوع را از منطقه دید خود به کلی حذف کرده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۳۷).

نظارت عمومی

ارتكاب جرم در جامعه توسط افراد، معمولاً در پی مناسب دیدن موقعیت ارتکاب جرم جامعه توسط مجرمان، صورت می‌گیرد، اما در صورتی که مکانیسم‌های کنترلی جامعه به صورت فراگیر و از سوی غالب اعضاء به اجرا در بیاید و مجرمان بالقوه، این تلقی را داشته باشند، موقعیت‌های کمتری را برای به اجرا درآوردن مقاصد کج روانه خود مناسب خواهند یافت. بدین شکل، در چنین فضایی، خطر وقوع جرم به شدت کاهش می‌یابد.

یکی از راه کارهایی که اسلام برای نظارت عمومی در جامعه معرفی کرده است، فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. تکالیف همگانی امر به معروف و نهی از منکر در زمینه پیش‌گیری از وقوع جرم و ابراز عکس العمل در برابر آن، یکایک شهروندان را در مقابل رفتار یکدیگر مسؤول و ناظر قرار داده است:

در مكتب فقهی گاهی از امر به معروف و نهی از منکر با عنوان دفاع همگانی یا دفاع اجتماعی در مقابل دفاع فردی یا دفاع مشروع یاد می‌شود (فیض کاشانی، بی‌تا، ص ۳۰۲).

پیامبر اسلام ﷺ از جمله در توضیح آثار پیش‌گیرانه این راه کار می‌فرمایند: «حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خداوند متعال افراد بد و نابکار شما را بر افراد شایسته و خوب مسلط می‌کند، آنگاه خوبان دعا می‌کنند ولی مستجاب نمی‌شود» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۱).

بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، از تسلط افراد فاجر و نابکار جلوگیری کرده و امکان اجرای معروف و اوامر الهی را فراهم می‌سازد.

به کارگیری کنترل‌های درونی موقعیتی

براساس مبانی رویکرد گزینش عقلانی، کنترل‌های درونی، از جمله اهرم‌های کارآمد پیش‌گیری از ارتکاب رفتارهای کج روانه در موقعیت‌اند، زیرا در این رویکرد، این محاسبه و سنجش فرد مستعد بزه است که در نهایت او را به جامۀ عمل پوشاندن به مقصد یا چشم پوشیدن از آن رهنمون می‌شود و وجود اهرم‌های کنترلی درونی مخالف با کج روى -اعم از باورها و عواطف - یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند این محاسبه را به ضرر ارتکاب کج روى، تغییر دهد.

آموزه‌های اسلامی در تدوین نظام کنترل اجتماعی مورد نظر خود، عنایت شایان توجهی به این گونه راه‌کارها و تقویت کارکردهای روانی و اجتماعی آنها مبذول داشته‌اند. از جمله در آیات قرآن کریم، وجود ایمان در افراد، عامل بازدارنده مهمی به شمار می‌آید که می‌تواند در هر شرایطی انسان را از ارتکاب جرم بازدارد. یکی از آیاتی که بازگوکننده تأثیر ایمان و اعتقاد در بازدارندگی از انحراف است، آیه ۲۴ سوره یوسف است:

«و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد. چنین [کردیم] تا بدی و زشت کاری را از او بازگردانیم ...».

تفسران در توضیح این آیه، یادآور شده‌اند که این احتمال، وجود داشت که یوسف ﷺ، «به مقتضای طبع بشری و این که جوانی نوخته بود و هنوز همسری نداشت و در برابر هیجان‌انگیزترین صحنه‌های جنسی قرار گرفته بود، چنین تصمیمی را می‌گرفت»، اما این در صورتی بود که «برهان پروردگار، یعنی روح ایمان و تقوی و تریست نفس و بالآخره مقام «عصمت» حائل نمی‌شد». آنان همچنین تأکید می‌کنند که وجود عنصر کنترلی درونی، سبب شد که از یوسف ﷺ، هیچ حرکتی که نشانه تصمیم بر گناه باشد، سرنزند، بلکه در دل هم

چنین تصمیمی نگیرد (مکارم شیرازی، و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۹، صص ۳۷۰-۳۷۱)؛ و با این تعبیر به نقش کترلی عمیق و مؤثر چنین عاملی توجه می‌دهند.

﴿۶۹﴾

تفسران دیگر در توضیح موقعیتی که یوسف ﷺ در آن قرار گرفته بود، عاملی که در این موقعیت، او را از نافرمانی خداوند بازداشت و تأثیر کترلی این عامل به نکات زیر توجه می‌دهند. به گفته آنان، یوسف ﷺ هیچ مانعی که جلوگیر نفسش شود و بر این همه عوامل قوی بچربد نداشته، مگر اصل توحید، یعنی ایمان به خدا و یا به تعبیری دیگر محبت الهی‌ای که وجود او را پر و قلب او را مشغول کرده بود، و در دلش جایی - حتی اندازه یک سر انگشت - برای غیرخدا خالی نگذاشته بود.

آنان همچنین در توضیح فراز ﴿كَذِّلِكَ لِنَصْرِ فَعْنَةُ السُّوءِ وَ الْفُحْشَاءِ ...﴾ می‌گویند که در این فراز، خداوند یادآور شده است که «یوسف ﷺ از آنجایی که از بندگان مخلص ما بود، ما بدی و فحشا را به وسیله آنچه که از برهان پروردگارش دید از او بگرداندیم». و نتیجه می‌گیرند که «سببی که خدا به وسیله آن، سوء و فحشا را از یوسف ﷺ گردانید، تنها دیدن برهان پروردگارش بود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، صص ۱۷۲-۱۷۱).

بدین شکل، می‌توان مضمون‌های روایی فراوانی مانند حدیث زیر را در راستای تقویت کارکردهای این راه کار کترلی و فرهنگ‌سازی در جهت تعمیم عملکرد آن در سطح جامعه، ارزیابی کرد. در این حدیث، امام صادق ﷺ به یکی از یاران خود یادآور می‌شوند که:

﴿خَفِ اللَّهُ كَائِنُكَ تَرَاهُ وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ﴾؛ از خدا چنان بترس که گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۸).

راهکارهای بزه‌دیده محور آموزش بزه‌دیدگان

۲۷

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بزه کاری و بزه‌دیدگی، عدم آگاهی است. بزه‌دیده کسی است که شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره او ممکن است او را در برابر جرم آسیب‌پذیر سازد (سلیمانی و داوری، ص ۲۴۵). آموزش و ایجاد آگاهی در جامعه، ضمن این که از راه کارهای پیش‌گیری موقعیتی نسبت به بزه‌دیدگان می‌باشد، می‌تواند به حل ریشه‌ای معصل بزه کاری نیز کمک نماید. مکتب اسلام در بسیاری از موارد بر ارزش و تقدس دانش و آگاهی افراد جامعه و ضرورت آن تأکید نموده است که به نمونه‌ای مانند ضرورت حجاب می‌توان اشاره نمود که هدف از آن علاوه بر ضرورت‌های دیگر، جلوگیری از بزه‌دیدگی زنان می‌باشد. در قرآن کریم با اشاره به این موضوع، ضرورت آگاهی دادن را به

پیامبر ﷺ تذکر می دهد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَا زَوْاجٌ كَوَّبَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْهِنَّ ذَلِكَ أَذْنِي أَنْ يُعْرَفَ فَلَا يُؤْذِنُ﴾ (احزاب/٥٩)؛ ای بیامر! به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برآبر دید نامحرمان قرار نگیرد]. این [پوشش] به این که [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهد گرفت.

طبق این آیه، راه پیش گیری و کنترل جرم در مورد انحرافات جنسی پوشش مناسب اسلامی و به عبارت دیگر عرضه نکردن خود در مقابل دیگران است، که زمینه انحراف جنسی را فراهم می کند.

زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل انگار و بی اعتمنا نباشند، مثل بعضی از زنان بی بندوبار که در عین داشتن حجاب، آن چنان بی پروا و لاابالی هستند که اغلب قسمت‌هایی از بدن‌های آنان نمایان است و همین توجه افراد هرزه را به

آنها جلب می‌کند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۲۸).

به گفته مفسران، این آیه فلسفه حجاب را تبیین می‌کند که، برای آن که زنان مؤمن مورد آزار افراد هرزه قرار نگیرند، به گونه‌ای خود را بپوشانند که زمینه‌ای برای بی‌حرمتی آنان فراهم نشود. به عبارتی، اگر زنان و دختران بخواهند از متلك‌ها، تهمت‌ها، تهاجم‌ها و تهدیدهای افراد آلوده و هرزه در امان باشند، باید خود را بپوشانند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۳۹۹).

در آیه ۳۲ سوره احزاب، خداوند به یکی از راه کارهای پیش‌گیری از جرم در مورد بزه‌دیدگان اشاره می‌کند:

﴿...إِنِّي أَتَقِيتُنَّ فَلَا تَخْضُعْنَ بِالْقُولِ فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾؛ اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد. این آیه فرهنگ‌سازی رفتارهای پرهیز کارانه را در راستای آموزش بزه‌دیدگان می‌داند؛ خداوند با اشاره به کیفیت سخن گفتن زنان، آنها را از خود نمایی نهی می‌کند که در موقع سخن گفتن، با ناز و کرشمه سخن مگویید تا بیماردلان در شما طمع نکنند. به اعتقاد مفسران، در این آیه از خصوع در کلام نهی شده است. به این معنی که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن رانازک و لطیف کنند، تا دل او را چار ریه، و خیال‌های شیطانی نموده، شهوتش رابر انگیزاند، و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۱). بنابراین، علت انگیزش شهوت و میل به انحراف بیماردلان، طرز سخن گفتن زنان دانسته شده که با جلوگیری از عشه‌گری در موقعیت ملاقات زن و مرد، به عنوان پیش‌گیری موقعیتی می‌توان از این نوع انحرافات جلوگیری کرد.

در آیه ۳۳ همین سوره، به یکی دیگر از راه کارهای پیش‌گیری موقعیتی اشاره می‌فرماید:

﴿وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَ وَ لَا تَرْجُنَ تَرْجُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب/۳۳)؛ و در

خانه‌های تان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید.

به گفته مفسرین، نهی از تبرج به معنی این است که ظاهر و قصد تجلی و جلب نفوس مردم را نکنند؛ ظاهر و استعلای زنان به معنی تزیین در مقابل اجنبی است، که اعم از تزیین قولی، عملی، سلوکی، رفتاری و از این قبیل است. به عبارت دیگر، همه حرکات و سکناتی که از زنان صادر می‌شود و موجب جلب نظر اجنبی شده و موجب نفوذ مهر و علاقه آن زن در نظر اجنبی می‌شود که مقتضی ظاهر و استعلای مرد در قبال او است، همان ظاهر و تبرجی است که مورد نهی قرآن کریم است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۴). بنابراین، نهی از تبرج و خودنمایی زنان در جامعه به منظور این است که نفوس اجنبی را به خود چل نکند، که زمینه‌ای است برای انحرافات جنسی.

四

شناساندن مجرمان و شیوه‌های عملکرد آنان

در برخی موارد، جرم علیه منافع عمومی بوده و عدالت قضایی را به مخاطره می‌اندازد. به عنوان مثال، عده‌ای از بزه کاران حرفه‌ای در اطراف دادگاه‌ها حضور یافته و با دریافت وجه، به نفع افرادی اقدام به شهادت دروغ می‌کنند. در نظام کنترل اجتماعی اسلام، راه کاری تحت عنوان «تشهیر» وجود دارد، که به منظور شناساندن مجرمان خطرآفرین به افراد و اجتماعات در معرض خطر و زمینه‌سازی تحقیق نیافتن جرم‌های مورد نظر آنان، اعمال می‌شود.

در کتب فقهی، روایات متعددی راجع به موضوع پیش گیری موقعیتی از طریق معرفی کردن و علنی کردن مجرمان بیان شده و ابواب مختلفی، به عنوان «تشهیر المحتال لیحدزr منه الناس» (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۳۳)؛ معرفی کلامهبردار تا مردم از او پرهیز کنند، «تشهیر شاهد الزور فی بلده و ماحولها» (گلاییگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۳۲)؛ معرفی کسانی که شهادت دروغ می‌دهند

در شهر خودشان و شهرهای اطراف. و امثال آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به دو نمونه از این روایت اشاره می کنیم:

(۷۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«شهود الزور یجلدون حدا و لیس له وقت، ذلک الی الامام و یظاف بهم حتی یعرفوا و لا یعودوا» (نجفی، ج ۲۷، ص ۳۳۳؛ نراقی، ج ۱۴۱۵، ص ۱۸؛ بر شهود کذب حد جاری می شود که میزان معینی ندارد و به عهده امام است و در ملاً عام عبور داده می شوند تا شناخته شده مجدد ادای شهادت نمایند.

در باب تشهیر المحتال آمده است:

و کلاهبردار در مورد اموال مردم با مکر و حیله و... عقوبت بر او واجب می شود و تعزیر و تأديب و غرامت هر چه ضرر زده گرفته می شود، و بر حاکم رواست که او را در بین مردم معرفی کند تا دیگران از انجام چنین کاری در آینده بازداشت شوند (حلی، ج ۳، ص ۵۱۲).

این روش برخورد با مجرم به منظور پیش گیری از تکرار موارد مشابه از سوی دیگران و پیش گیری از بازگشت او به جرم‌های قبلی و موارد مشابه صورت می گیرد. به این صورت که با معرفی این افراد به مردم، حیثیت اجتماعی آنها از بین رفته و جایگاه خود را از دست می دهند و مردم نیز آنها را شناخته و اعتماد نمی کنند.

افرادی که جامعه امکانات، فرصت‌ها، اختیارات و امتیازات فراوانی در اختیارشان قرار می دهد، باید کنترل و نظارت بیشتری بر اعمال او نموده و در صورت سوء استفاده از فرصت، ضمن برخورد شدید و مجازات او، آن اختیارات و امتیازات را از وی سلب نماید. علاوه بر این باید این افراد در جامعه نشان دار باشند تا هم مایه عبرت دیگران باشند و هم مجازاتی برای این افراد، علیه السلام در منشور حکومتی خود پس از بیان ضرورت اقدامات پیش گیرانه اجتماعی و نظارتی، می فرماید:

«اگر یکی از کارگزاران حکومتی دست به خیانت دراز کرد و خبرهای شاهدان معتمد آن را تأیید کردند به این اکتفا کن و پس از آن که او را مجازات بدنی کردی و آنچه از عملش به دست آورده از او گرفتی، او را به موقعیت خواری و ذلت بنشان و نشان خیانت به او بده و قلاده ننگ اتهام به گردنش بیاویز....» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۶).

کاهش آسیب‌پذیری آماج‌ها

آسیب‌پذیر بودن آماج‌های جرم، یکی از عواملی است که با کم نمایاندن خطر و هزینه ارتکاب جرم، سبب ایجاد انگیزه و تحریک مجرمان بالقوه به ارتکاب بزه می‌شود. در نظام کنترل اجتماعی اسلام، تدابیر فراوانی در راستای از بین بردن یا کاهش آسیب‌پذیری آماج‌های بالقوه جرم، پیش‌بینی شده است. برای مثال افراد مکلف به حفظ اموال خود هستند؛ به نحوی که اگر فردی اموال خود را در حرز مناسب قرار ندهد و به سرقت رود، به دلیل این کوتاهی حمایت کیفری از او کاهش یافته و با وجود تمامی شرایط سرقت، مستوجب حد به سرقت تعزیری تنزل پیدا می‌کند (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷).

از جمله قرآن کریم در آیه ۵ سوره نساء در این مورد می‌فرماید:

﴿وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمْ﴾؛ و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام

[زندگی] شما قرار داده - به سفیهان مدهید.

امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را در بیان یک راه کار پیش‌گیری موقعیتی تفسیر فرموده‌اند. زمانی که اسماعیل فرزند ایشان تصمیم داشت اموال خود را جهت تجارت به مردی از قریش بسپارد، امام علیه السلام او را از این کار منع کردند و فرمودند چون این فرد شارب‌الخمر است، نباید به او اعتماد کنی، اما اسماعیل توجهی نکرد و اموال خود را به آن مرد سپرد. پس از آن که اموال وی توسط آن شخص از بین رفت، امام علیه السلام فرمود:

«لَا تَأْتِمْنُ شَارِبَ الْخَمْرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ فَأَئُلُّ سَفِيهِ أَسْفَهَ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۹۹).

(۷۵)

در جایی دیگر، حضرت می‌فرماید:

«مَنِ ائْتَمَنَ شَارِبَ الْخَمْرَ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَى اللَّهِ تَبَارِكَ وَ تَعَالَى ضَمَانٌ» (شیخ صدقوق، ج ۴، ص ۵۸)؛ کسی که به شراب‌خوار اعتماد می‌کند هیچ ضمانت اجرا و پشتونهای از طرف خداوند برای او وجود ندارد.

با توجه به این دو روایت، سپردن اموال به شارب‌الخمیر در واقع قرار دادن آن در موضع تلف است، که به شدت از آن نهی شده است. اگر کسی از اموال خود محافظت نکند، مقصراست و حمایت قضایی از چنین فردی نیز کاهش می‌یابد، چرا که طبق منابع دینی انسان موظف به حفظ اموال خود است. کما این که روایت زیر به آن اشاره دارد. در این روایت، معصوم علیه السلام می‌فرماید:

«أَسْتَرْ ذَهَبَكَ وَ ذَهَبِكَ وَ مَذَهَبِكَ»؛ مال ارزش‌مند، آمد و رفت و مذهب و اعتقادات خود را با مستور داشتن حفظ کن (باقری بیدهندی، ۱۳۶۳، ص ۵۱، فیض کاشانی، ۱۴۲۵، ق ۱، ص ۲۳۰).

پس ستر و محافظت از اموال در اسلام اهمیت داشته و به آن به عنوان راه کار پیش گیری امر شده است.

راهکارهای موقعیت محور

کنترل مکان‌های مناسب برای ارتکاب کج روی

در نظام کنترل اجتماعی اسلام، مکان به عنوان یکی از عوامل خاص مؤثر بر ارتکاب جرم مورد توجه قرار گرفته و تأکید بر تغییر شرایط آن یا بر حذر داشتن افراد از حضور در برخی مکان‌ها، از جمله تدبیر پیش‌گیری موقعیتی از جرم محسوب می‌شوند. امام علی علیه السلام مکان‌های گردهم نشینی و وقت گذرانی در بازار را به عنوان یکی از عوامل ارتکاب جرم به شمار آورده، می‌فرماید:

۷۶

«... إِيّاك و مقاعداً لأسواق، فإنّها محاضر الشّيطان، و معاريض الفتنة»
نهج البلاغة، نامه ٥٣، ص ٤٦٠؛ ... از مکان‌های گرددهم‌نشینی در بازار پر هیز، که
آنها محل حضور شیاطین است، و جای همه گونه فتنه‌ها.

بر حذر داشتن افراد از این گونه مکان‌ها به جهت زمینه‌سازی برای ظهور کج روی می‌باشد. بنابراین، باید با آن مقابله کرد تا شرایط ارتکاب جرم و استفاده افراد از این فرصت‌ها از بین برود. لذا در سیره امام علی علیه السلام می‌بینیم وقتی ایشان مشاهده کردند در بازار، جمعی محلی را برای خود درست کرده و برای دیگران ایجاد مزاحمت می‌کنند، دستور دادند آن جایگاه را خراب کنند (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۴۸۸).

حریان معروف مسجد ضرار یکی دیگر از این نمونه‌های است. در این ماجرا، عده‌ای از منافقان در صدد ساختن مسجدی برآمدند تا آن محل را محل تبانی و توطئه و وسیله معارضه با اسلام و اهداف پیامبر ﷺ قرار دهند، ولی پیامبر دستور داد مسجد را آتش بزنند و ویران کنند و محل آن را زباله‌دان کنند (طبرسی، ۱۳۹۵ق، ج ۵، ص ۱۱؛ عروسوی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۶۹؛ بابایی، ج ۲، ۲۵ص):

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَخْلُفُنَّ إِنْ أَرْدُنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (توبه/١٠٧)؛ وَآنَهَايِيَ كَمِنْ گاهِی اسْتَ بِرَای کسی کَه قَبْلًا با خدا پراکنَدَگی میان مُؤْمِنَان اَسْتَ، و [نیز] کمِنْ گاهِی اسْتَ بِرَای کسی کَه قَبْلًا با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود، و سخت سوگند یاد می کنَد کَه جز نیکی قصدِ نداشتیم. و [الى] خدا گواهِ می دهد کَه آنان قطعاً دروغ گو هستند.

مکانی که ظاهر آن محل عبادت و از نمادهای مهم اسلامی است، ولی باطن و هدف اصلی آن تفرقه و فتنه در اجتماع مسلمین است و پیامبر اکرم ﷺ به منظور پیش‌گیری از وقوع توطئه و فتنه در اجتماع مسلمین، دستور به انهدام مکان وقوع

کج روی دادند.

در آیه ۹۷ سوره نساء هم خداوند یکی از راه کارهای پیش گیری از وقوع

(۷۷)

انحراف را تغییر مکان و محل زندگی معرفی می کند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَالِبِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَا كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا تَكُونُ أَرْضُ اللَّهِ واسِعَةً فَهُنَّا جِرَوْا﴾؛ قطعاً کسانی که [با ترک هجرت از دیار کفر، و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان] بر خویش ستم کردند [هنگامی که] فرشتگان آنان را قبض روح می کنند، به آنان می گویند: [از نظر دین داری و زندگی] در چه حالی بودید؟ می گویند: ما در زمین، مستضعف بودیم. فرشتگان می گویند: آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود تا در آن [از محیط شرک به دیار ایمان] مهاجرت کنید.

براساس این آیه شریقه، علت مؤاخذه این افراد ظلمی است که در حق خود به سبب سکونت در سرزمین کفر و انحراف داشته‌اند. به گفته مفسرین، هرگاه انسان در سرزمینی است که به دلیل برخی از موانع نمی‌تواند در آنجا به انجام امور دین خود پردازد و می‌داند که در شهر و دیگری حق خدا را بیشتر پای می‌دارد، مهاجرت کردن بر او لازم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۷۷).

بنابراین، تغییر محل زندگی و مهاجرت کردن از محلی که انسان نمی‌تواند در آن وظایف دینی خود را انجام بدهد، از راه کارهای پیش گیری از وقوع انحراف بوده و براساس این آیه، علت توبیخ و سرزنش این افراد این است که با عذرها واهی و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی شانه از زیر بار هجرت خالی کردند و زندگی در محیط آلوده و خفقات بار را بر آن ترجیح دادند.

از بین بردن آلات و اسباب جرم

توجه فراوان فقه اسلامی به موضوع پیش گیری از توزیع و نشر آلات مجرمانه و از بین بردن زمینه‌های ارتکاب جرم، به دلیل توجه به ضرورت مبارزه با علت به

جای مبارزه با معلول است. در جامعه‌ای که ابزار و اسباب جرم به راحتی در اختیار مجرم قرار می‌گیرد، ارتکاب جرم نیز با آسانی بیشتری ممکن می‌شود. برخی فرصت‌ها، موقعیت‌ها و مشاغل کاذب در جامعه وجود دارد که زمینه را برای ارتکاب جرم و بزه کاری فراهم می‌سازد. در سیاست پیش‌گیری موقعیتی از جرم، از بین بردن این فرصت‌ها و موقعیت‌ها از اولویت برخوردار است. به عنوان مثال در نظام کنترل اجتماعی اسلام، یکی از راه‌کارهای پیش‌گیری موقعیتی از جرم، تحریم مشاغلی است که به واسطه آن جرم صورت می‌گیرد که، در واقع، به منظور پیش‌گیری یا دشوار یا ناممکن نمودن تحقق عمل مجرمانه است. امام علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

«انما حرمَ الله الصناعةُ الَّتِي يَجِئُ مِنْهَا الفسادُ مَحضًا ...» (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۱)؛ خداوند هرگونه شغلی که هیچ‌گونه منفعت حلالی نداشته و دارای فساد محض باشد را حرام کرده است.

در کتب فقهی برای استدلال بر حرمت حفظ و خرید و فروش کتب موجب گمراحتی و انحراف به این سخن امام علیه السلام استناد شده و فقهای اسلامی در کتب خود به مباحثی تحت عنوان مکاسب محروم به این موضوعات پرداخته‌اند. در تبیین تجارت‌های حرام، مشاغلی همچون بتسازی و بت‌فروشی، مشروبات مست کننده، ساخت یا خرید و فروش آنها را جزء این دسته دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۲).

توان‌گیری و طرد

هرگاه با وجود استفاده از همه بازدارنده‌های پیشین، همچنان ارتکاب جرم برای برخی افراد جالب توجه بود، این رویکرد تنها راه کنترل رفتار آنان را توان‌گیری یا بیرون نگاه داشتن آنان از جامعه (طرد) می‌داند که معمولاً به معنای ایجاد موانع مادی موقت یا دائم بر سر راه مجرم در مسیر ارتکاب جرم است و موارد

گوناگونی از جمله اعدام، تبعید (یا محدود کردن آزادی جغرافیایی)، حبس (ابد یا وقت) در زندان یا بیمارستان‌های روانی و حبس خانگی (همراه با نظارت الکترونیکی پلیس) را در بر می‌گیرد (سلیمانی و داوری، ص ۴۶۹).^(۷۹)

مجازات کج رو، یکی از راه‌کارهای کنترل رفتارهای کج روانه و حتمیت مجازات - به جای شدت - یک عنصر مهم این راه کار است. براساس این مقوله، ترساندن افراد از پیامدهای رفتار مجرمانه، آنان را از اندیشیدن بدین رفتارها باز می‌دارد. بر این اساس، با تکیه بر سه ویژگی قطعیت، حتمیت و سرعت آن، تلاش می‌شود تا مجازات را به عنوان یکی از هزینه‌های واقعی ارتکاب جرم در معادلات ذهنی آحاد جامعه وارد کنند. با توجه به منابع دینی، سیاست کیفری به عنوان یک اهرم پایانی و ضمانت اجرای قواعد حقوقی به کار برده می‌شود، چنان که در روایت نبوی آمده است که:

«ادرءوا الحدود عن المسلمين ما استطعتم فانَّ الامام لأن يخطى فى العفو خير من ان يخطى فى العقوبة» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵)؛ به اندازه توانایی کیفرها را از مسلمانان بازدارید، زیرا اگر پیشوایی به اشتباه بیخشد، بهتر از آن است که به طور سهو کیفر دهد.

على عاليٍ هنگام تشخيص ضرورة بخورد بال مجرمان، فرمود:
«فإذا لم أجد بداء فآخر الدواء، ألكي» (نهج البلاغة، ۱۹۸۰، ص ۲۴۳)؛ وقتی برای دردی درمان نباشد، آخرین درمان داغ نهادن است.

بنابراین، در صورتی که افرادی بعد از انذار و تبشيرهای الهی، همچنان جرم و کج روی را پرجاذبه بیابند، مجازات متناسب با جرم شامل حال آنها خواهد بود. مجازات‌هایی که در اسلام با نام حد و تعزیر از آنها یاد می‌شود، گویای این مهم هستند؛ مجازات‌هایی که در نظامهای کیفری و قوانین جزایی پیش‌بینی می‌شود و فقیهان اسلامی با اعتماد به منابع فقه، آن را استنباط می‌کنند و حاکمان جوامع اسلامی مکلف به اجرای آن هستند؛ مجازات‌هایی از نوع قصاص در قتل عمد،

قطع دست سارق، زدن تازیانه و مانند آن، که ما در این مقوله به برخی از این موارد در حد وسع این تحقیق اشاره می‌کنیم.
 سورة مائده از جمله سوره‌های قرآن کریم است که به بیان شماری از احکام عملی پرداخته و مجازات برخی از انحرافات را بیان کرده است. به دو نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقْتَلُوا أَوْ يُصْلَبُوا أَوْ تُقْطَعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ﴾ (مائده/٣٣)؛
 کیفر آنان که با خدا و پیامبرش می‌جنگند، و در زمین به فساد و تباہی می‌کوشند، فقط این است که کشته شوند، یا به دارشان آویزند، یا دست راست و پای چشان بریده شود، یا از وطن خود تبعیدشان کنند.

این آیه از جمله آیاتی از قرآن است که به موضوع مجازات مجرم پرداخته است. در این آیه خداوند حکم کلی عده‌ای از مجرمین را به صورت تحریری یا ترتیبی^۸ بیان فرموده است. استفاده‌ای که از این نوع آیات می‌توان کرد این است که مجازات مجرم، که همان وارد آوردن صدمه به مجرم است تا هزینه‌ای برای جرم صورت گرفته در جامعه باشد، در اسلام مورد تأیید منابع دینی می‌باشد تا از سویی توان آن چیزی باشد که انجام داده‌اند و از سوی دیگر، عبرتی باشد برای دیگرانی که بعد از آن بخواهند مرتکب چنین انحرافاتی شوند.

این آیه شرح حال عده‌ای از قبیله بنی ضبه است که به حضور رسول خدا علیه السلام رسیدند. آن حضرت به ایشان دستور داد چند روزی نزد آن جناب بمانند تا بیماری‌شان بر طرف شده و بهبود یابند، آنگاه ایشان را به جنگ خواهد فرستاد. این عده همین که نیرومند شدند، سه نفر از چوپان‌های رسول خدا علیه السلام را به قتل رساندند. رسول خدا علیه السلام علی علیه السلام را برای دستگیری و سرکوبی آنان روانه کرد، امام علی علیه السلام آنان را در وادی‌ای، اسیر کرده به نزد رسول خدا علیه السلام آورد، و آیه شریفه در این مورد نازل شد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۴۱) به نقل از فروغ کافی،

ج ۷، ص ۲۴۵).

تفصیل مفاد آیه در موضوع حد قاطع طریق مستفاد از اخبار چنین است:
اگر محارب با خدا و رسول و ساعی فساد در روی زمین قتل نفس نمود
کشته می شود. و اگر علاوه بر قتل نفس، سرقت هم نمود پس از استرداد مال
سرقت شده به دار آویخته می شود. و اگر قتل نفس اتفاق نیفتاد، بلکه فقط مال
سرقت کرد، دست و پای او به صورت مخالف هم بریده می شود؛ دست راست
از اصول اصابع و پای چپ از وسط قدم. و در مرحله سوم، حبس می کنند و در
مرتبه چهارم به قتل می رسانند. ولی اگر شمشیر کشیده محاربه با خدا و رسول و
سعی فساد در زمین نمود، بدون قتل نفس و اخذ مال (سرقت)، به مدت یک سال
نفی بدل می کنند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۴۶؛ حسینی جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲،
ص ۵۷۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، صص ۵۳۵-۵۳۴).

در آیه ۳۸ همین سوره، حکم مجازاتی سارق و سارقه بیان شده است:
﴿وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطُعُوا أَيْدِيهِمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكالًا مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾؛ و دست مرد و زن دزد را به کیفر کار زشتی که مرتکب شده‌اند، به عنوان مجازاتی از سوی خدا، قطع کنید و خدا توانای شکست‌ناپذیر است.
این آیه شریفه، به بیان حد شرعی شخص سارق پرداخته و حدود شرعی آن را مشخص می کند و در ادامه می فرماید، اجرای این حد در مورد این افراد مجازاتی است الهی، به خاطر آن عمل انحرافی که انجام داده است تا مایه عبرت دیگران باشد؛ چرا که به اعتقاد برخی مفسران، هنگامی که دست خیانت کاری به دارایی دیگری دراز می شود، این دست به سوی امنیت کشور دراز شده و افراد اجتماع را که در طلب حصول آن مال سعی و تلاش کرده‌اند، دلسرد و مضطرب خواهد ساخت. از این رو در اسلام کیفر دزد سخت است (تفسیر هدایت، ج ۲، ص ۳۲). به تصریح برخی از آنان:

در حقیقت در این جمله اشاره به آن است که اولاً این کیفر نتیجه کار

خودشان است و چیزی است که برای خود خریده‌اند و ثانیاً هدف از آن پیش‌گیری و بازگشت به حق و عدالت است، زیرا «نکال» به معنی مجازاتی است که به منظور پیش‌گیری و ترک گناه انجام می‌شود. این کلمه در اصل به معنی لجام و افسار است و سپس به هر کاری که جلوگیری از انحراف کند گفته شده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۷۴).

روایات زیادی هم در مقام تبیین مجازات مجرم وارد شده که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم. در اولین روایت، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«تعافوا الحدود فيما بينكم فما بلغنى من حد فقد وجّب» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۸۵)؛ در میان خودتان از گناهانی که موجب مجازات است در گذرید، زیرا وقتی گناهی به اطلاع من رسید مجازات آن واجب است.

براساس این روایت، پیامبر خدا ﷺ به این مطلب اشاره می‌فرمایند که مجازات مجرم یکی از وظایف حتمی حاکم اسلامی است و با وجود این که در جامعه اسلامی اصل بر رافت و گذشت است و مردم بهتر است در جامعه از گناهانی که موجب حد و مجازات است بخشش داشته باشند، لکن اگر وقوع جرم نزد حاکم اسلامی محرز بود، وظیفه ایشان اجرای حدود و مجازات است. علی ﷺ می‌فرماید:

«من لم يصلاحه حسن المداراة يصلحه حسن المكافأة» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۹۳ به نقل از غررالحكم، ص ۶۳۰)؛ کسی که ملائمت و حسن سلوک او را اصلاح نکند، مجازات بجا و خوب، اصلاحش خواهد کرد.

در این روایت، علی ﷺ به این نکته مهم اشاره می‌فرمایند که در صورتی که افرادی بعد از به کارگیری روش‌های ارشادی و حسن سلوک، همچنان به انحراف روی می‌آورند، از طریق مجازات باید با آنها برخورد کرد تا دست از رویه خود بردارند.

آخرین مقوله کنترلی برگزیده نیز بدین شرح بیان شد که طرد مجرم از

جامعه، آخرین راه حل، اما از راه کارهای مهم کنترل رفتارهای کج روane است. بررسی آموزه‌های اسلامی نشان از آن دارد که بعد از به کار گیری سایر مجازات‌ها در راستای کنترل افراد مجرم، در صورت جذابیت داشتن جرم برای برخی افراد، یکی از راه‌های مؤثر کنترل رفتار آنان طرد یا بیرون نگاه داشتن آنان از جامعه است، که معمولاً به معنای ایجاد موانع مادی موقت یا دائم بر سر راه مجرم در مسیر ارتکاب جرم است. این راه کار کنترلی در نظام کنترل اجتماعی اسلام هم وجود دارد. با رجوع به منابع اسلامی، آیات و روایاتی را می‌توان پیدا کرد که چنین مجازاتی را برای برخی جرائم مقرر کرده‌اند. به چند نمونه از این آیات و روایت اشاره می‌کنیم:

یکی از بارزترین آیاتی که مجازات طرد از جامعه را به زیبایی به تصویر می‌کشد، آیه ۱۱۸ سوره توبه است که می‌فرماید:

﴿وَ عَلَى النَّاسَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَ ظَلُوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ﴾؛ و [نیز] بر آن سه تن که بر جای مانده بودند، [و قبول توبه آنان به تعویق افتاد] تا آنجا که زمین با همه فراخی‌اش بر آنان تنگ گردید، و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سوی او نیست. پس [خداد] به آنان [توفیق] توبه داد، تا توبه کنند. بی تردید خدا همان توبه‌پذیر مهریان است.

در این آیه شریقه، به طرد روانی و عاطفی افرادی اشاره می‌شود که با اهداف جمع ناهمنوای بوده‌اند. به گفته مفسرین، از مسائل مهمی که از آیه فوق استفاده می‌شود، مسئله مجازات مجرمان و فاسدان از طریق محاصره اجتماعی و قطع رابطه‌ها و پیوندهاست. به گفته برخی مفسرین، این قطع رابطه در مورد سه نفر از متخلفان تبوق که به قدری آنها را تحت فشار قرار داد که از هر زندانی برای آنها سخت‌تر بود، چنان که جان آنها از فشار این محاصره اجتماعی به لب رسیده، و از همه جا قطع امید کردند. این موضوع چنان انعکاس وسیعی در جامعه مسلمانان

۸۴

آن روز از خود به جای گذاشت که بعد از آن کمتر کسی جرأت می‌کرد
مرتکب چنین گناهانی شود. در واقع، نوعی اعتصاب و مبارزه منفی جامعه در
برابر افراد فاسد است، اگر مسلمانان در برابر متخلوفان از وظایف حساس اجتماعی
دست به چنین مبارزه‌ای بزنند، به طور قطع در هر عصر و زمانی پیروزی با آنها
خواهد بود، و به راحتی می‌توانند جامعه خود را پاک‌سازی کنند (مکارم
شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۷۵).

این آیه شریفه بیان گر مجازاتی است که افراد متخلّف را طوری از جامعه طرد می‌کند که وقتی کارشان به سختی کشید و دیدند که احدی از مردم با ایشان حرف نمی‌زنند، و حتی زن و فرزندشان هم با ایشان حرف نمی‌زنند، و خلاصه یک نفر انسان که با آنها انس بگیرد وجود ندارد، و همه مأمور به خودداری از سلام و کلام هستند، و به عبارت دیگر، همه افراد جامعه آنها را طرد می‌کنند، افراد را مجبور می‌سازد تا دست از رویه انحرافی خود برداشه و به همنوایی با جامعه و ارزش‌های آن ترغیب شوند.

آیه ۳۳ سوره مائدہ هم به موضوع طرد و تبعید افراد منحرف پرداخته است:
﴿إِنَّمَا جَرَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقْتَلُوا أَوْ يُصْلَبُوا أَوْ تُقْطَعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ﴾؛ کیفر آنان که با خدا و پیامبر ش می جنگند، و در زمین به فساد و تباہی می کوشند، فقط این است که کشته شوند، یا به دارشان آویزند، یا دست راست و پای چشان بریده شود، یا از وطن خود تبعید شان کنند. این برای آنان رسوایی و خواری در دنیاست، و برای آنان در آخرت عذابی بزرگ است.

با توجه به این آیه شریفه، یکی از مجازات‌هایی که برای شخص محارب در نظر گرفته شده است، نفی بلد یا تبعید است. همچنین مستفاد از برخی روایات در تفسیر آیه شریفه چنین است که اگر شمشیر کشیده محاربہ با خدا و رسول و سعی فساد در زمین نمود، بدون این که قتل نفس کرده و مالی را سرقت کرده

باشد، مدت یک سال نفی بلد می‌کنند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۴۶؛ حسینی جرجانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۷۸).

(۸۵) مراد از نفی در آیه مورد بحث، نفی بلد و تبعید است که یکی از مجازات‌های محارب و سارق مسلح است؛ چنان‌که گفته می‌شود: «نفاه من بلدہ یعنی آخرجه منه و سیرہ الی غیرہ» (داورپناه، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۲۹).

در آیه اولی تبعید از محل زندگی و نفی بلد در کار نبوده است، بلکه آن افراد با وجود این که در جامعه زندگی می‌کردند، طرد عاطفی شده بودند، که تأثیر عمیقی در بازگشت از رویه انحرافی آنها داشت، ولی در آیه دوم به یکی از برخوردهای قانونی و کیفری اسلام اشاره می‌شود که هم طرد و تبعید مکانی افراد خاطی مدنظر است، هم طرد عاطفی و قطع پیوندها. برخی از روایات به بیان چگونگی و حد و اندازه تبعید پرداخته‌اند که از احکام عملی اسلام به شمار می‌روند.

از شهری که در آن دست به چنین کارهایی زده به شهری دیگر تبعید می‌شود، و به اهل آن شهر می‌نویسند که این شخص به جرم فسادانگیزی از فلان شهر تبعید شده، با او همسنی و معامله نکنید، به او زن ندهید و با او هم سفره نشده، در نوشیدنی‌ها با او شرکت نکنید. این کار را به مدت یک سال با او می‌کنند، اگر در بین سال خودش از آن شهر به شهری دیگر رفت، باز به اهل آن شهر همین سفارش‌ها را می‌نویسند تا یک سالش تمام شود، و... (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۷، صص ۲۴۶-۲۴۷).

روایات زیادی هم دال بر اجرای این حکم اسلامی در مورد برخی جرائم وارد شده است. از جمله این که امام صادق علیه السلام فرمود: پسر یا دختر اگر زنا کنند صد تازیانه خورده و تا یک سال نفی بلد می‌شوند، و تبعید از شهری به شهر دیگر است، و امیر المؤمنین علیه السلام دو تن را از کوفه به بصره تبعید کرد (شیخ صدوق، ج ۵، ص ۳۴۳).

(۸۶)

پیامبر ﷺ حکم بن ابی العاص را به خاطر آن که به مسخره، راه رفتن و بعضی حرکات رسول خدا ﷺ را تقلید می کرد، همراه با سب و نفرین به طائف تبعید فرمود (راوندی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳).

نتیجه گیری

تحلیل نظریه‌های گزینش عقلانی با توجه به نقطه عطفی که این نظریه‌ها در نظریات کلاسیک به وجود آورده‌اند، نشان‌گر این است که محاسبات انسان در جامعه براساس تحلیلی از فایده‌مندی کنش است که اگر نفع حاصل از جرم بیشتر از هزینه ارتکاب آن باشد، ارتکاب جرم عقلانی خواهد بود. راه کارهای کنترلی این نظریه‌ها، با توجه به این ویژگی کنش، مجازات را به عنوان راه کار بسیار تعیین کننده معرفی کرده و معتقد به حتمیت مجازات در مقابل شدت آن هستند. اما آیات قرآن کریم و روایات مucchoman راه کارهای کنترلی بسیار وسیع تری نسبت به محورهای نظریه‌های گزینش عقلانی را شامل می‌شوند و در این مبحث طیف وسیعی از راه کارها را معرفی می‌کنند و این قابلیت را دارند که راه کارهایی به مراتب بسیار کارآمدتر نسبت به راه کارهای نظریه‌های گزینش عقلانی در جهت کنترل جرم و کج روی ارائه کنند؛ اگر چه، ما در این تحقیق به جهت ضيق و محدودیت، به صورتی بسیار مختصر به راه کارهای کنترلی اشاره کرده‌ایم. شایان ذکر است با توجه به منابع اسلامی و پیش‌فرضهای آن، عقلانیت ابزاری و هدف - وسیله‌ای در کنترل و پیش‌گیری از جرم کفایت لازم را ندارد و برای کنترل جرم، براساس عقلانیت اسلامی توجه به بازدارنده‌های ماورای طبیعی و غیرمادی و تقویت ایمان به جهان دیگری غیر از جهان مادی لازم است که نظام جزا و پاداش دیگری را ترسیم می‌کند. در عین حال که مفهوم سود هم در این نوع عقلانیت بسیار گسترده‌تر بوده و نفع آتی در مقابل نفع آنی قرار داشته که بر پایداری آن تأکید می‌شود. لذا توجه به راه کارهای مبتنی بر قرآن و روایات، می‌تواند در پیش‌گیری از جرم و کج روی

کارساز باشد و جامعه‌ای مبتنی بر اخلاق به وجود بیاورد. در یک عبارت می‌توان گفت که آیات و روایات، محورهای کنترلی موجود در نظریه‌های جامعه‌شناسی را تأیید کرده و علاوه بر آن، راه کارهای دیگری را نیز معرفی می‌کند که در نظریه‌های مذکور به آنها اشاره نشده است و این نشان‌گر گستره نگاه متون دینی در اسلام است که بیش از ۱۴۰۰ سال پیش به این ابعاد توجه کرده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

1. Sutton, David (n.d.). "Ronald V. Clarke". available.criminology /crimtheory.
2. Bouffard, J.A. & K.Wolf (2007). "Rational Choice Theory: A Crime-Related Perspective".
3. Mork.Bruce (2006). "Rational Choice Theory"
4. Sutton, David (n.d.). "Ronald V. Clarke". available.criminology /crimtheory
5. three strikes legislation: این اصطلاح به سیاستی جزاًی با این محتوا اشاره دارد که اگر مجرمی، پس از تحمل دو بار محکومیت در ازای ارتکاب جرم‌های خطرناک یا خشونت‌بار، برای بار سوم به ارتکاب این نوع جرم‌ها مبادرت ورزد، به حبس ابد محکوم می‌شود. این سیاست در برخی کشورها - از جمله در ایالات متحده امریکا و در ایالت کالیفرنیا (در سال ۱۹۹۶) - به صورت قانون در آمده است (راب وایت و فیونا هینز، جرم و جرم شناسی، ص ۳۱۴).
6. Keel, Robert O.(2005)."Rational Choice and Deterrence Theory"
7. Sutton, David (n.d.). "Ronald V. Clarke". available.criminology /crimtheory
8. سید محمود میرخیلی، «پیش‌گیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام»، مجله فقه و حقوق. میان فقهاء در آن که وجوب امور مذکور در حد محارب بر سبیل تحریر است یا ترتیب، اختلاف است. شیخ مفید قائل به تحریر و شیخ ابو جعفر قائل به ترتیب است (حسینی جرجانی، ج ۲، ص ۶۷).

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه طاهره صفارزاده (۱۳۸۰)، تهران، مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم.
 - نهج البلاغه، سید رضی (۱۹۸۰)، تصحیح صبحی صالح، بیروت، دار الكتاب اللبناني، چاپ اول.
1. ابن شعبه حرانی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین.
 2. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد

- الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول.
۳. بابایی، احمد علی (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.
۴. باقری بیدهندی، ناصر (۱۳۶۳)، گنج حکمت یا احادیث منظوم، قم، نشر روح، چاپ اول.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم.
۶. جمعی از مترجمان (۱۳۷۷)، ترجمه جوامع الجامع، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۷. جمعی از مترجمان (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول.
۸. جمعی از مترجمان (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البیت ﷺ، چاپ اول.
۱۰. حسینی‌جرجانی، سید امیر ابوالفتوح (۱۴۰۴ق)، آیات الاحکام، تهران، انتشارات نوید، چاپ اول.
۱۱. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، اسرائیر الحاوی لتحریر الفتاوى، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه، چاپ دوم.
۱۲. خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۱۳. داورپناه، ابوالفضل (۱۳۶۵)، آنوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات صدر، چاپ اول.
۱۴. راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله (بی‌تا)، جلوه‌های اعجاز معصومین، ﷺ، ترجمه غلام حسن محرمي، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. عاملی، محمد بن جمال الدین مکی (شهید اول) (۱۴۱۰ق)، اللمعة الدمشقية فی فقه الامامية، محقق و مصحح: محمد تقی مروارید، بیروت، دار التراث، الدار الاسلامیه، چاپ اول.
۱۶. عباسپور، ابراهیم (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای گزاره‌های دینی ناظر به نظریه گزینش عقلانی، معرفت.
۱۷. عروسی هویزی، عبد علی بن جمیعه (۱۴۱۵ق)، نور الثقین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۱۸. فلسفی، محمد تقی (۱۳۶۸)، الحدیث - روایات تربیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۹. فيض کاشانی، محسن (بی‌تا)، التحفة السننية، نسخه خطی، مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی.
۲۰. ----- (۱۴۲۵ق)، تفسیر صافی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم.
۲۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ق)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۲۲. الکتانی، عبدالحی (بی‌تا)، التراتیب الإدارية و العمادات و الصناعات و المتاجر و الحالة العلمية التي كانت على عهد تأسيس المدينة الإسلامية في المدينة المنورة العلمية، تحقيق: عبدالله الخالدی، بیروت، دار الأرقام، چاپ دوم.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵ق)، الکافی، تهران، دار الكتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۳. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۲ق)، در المنضود، مقرر: علی کریمی جهرمی، قم، دار القرآن الکریم، چاپ اول.
۲۴. مازندرانی، مولی محمد هادی بن محمد صالح (۱۴۲۱ق)، شرح اصول کافی، تعلیق: میرزا ابوالحسن شعرانی، ضبط و تصحیح: علی عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲۵. مازندرانی، مولی محمد هادی بن محمد صالح (۱۴۲۹ق)، شرح فروع کافی، محقق و مصحح: محمد جواد محمودی و محمد حسین درایتی، قم، دار الحديث للطبعه و النشر.
۲۶. متقی هندی، علاءالدین بن حسام الدین (۱۴۰۱ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، محقق: بکری حیانی - صفوۃ السقا، انتشارات مؤسسه الرساله، چاپ پنجم.
۲۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ق)، ترجمة قرآن، قم، دار القرآن الکریم، چاپ دوم.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴ق)، تفسیر نمونه، تهران، دار الكتب الاسلامیه، چاپ اول.
۳۰. موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴ق)، ترجمة تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۳۱. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۳ق)، «پیش‌گیری و وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام»، مجله فقه و حقوق، شماره ۱، تابستان.
۳۲. ----- (۱۳۸۸ق)، پیش‌گیری و وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۳۳. نراقی، مولی احمد بن محمد مهری (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل الیت بعلبک، چاپ اول.
۳۴. وايت، راب و هینز، فيونا (۱۳۸۳ق)، جرم و جرم شناسی، ترجمة علی سلیمی با همکاری

نرم افزارها

۱. نرم افزار چند رسانه‌ای جامع الاحادیث (نور ۲/۵).
۲. نرم افزار چند رسانه‌ای جامع تفاسیر نور (نور الانوار ۳).
۳. نرم افزار چند رسانه‌ای دانشنامه علوی (منهج النور).
۴. نرم افزار چند رسانه‌ای درایة النور (نسخه ۱/۲).
۵. نرم افزار چند رسانه‌ای کتابخانه اهل‌البیت علیهم السلام (نسخه ۱).
۶. نرم افزار چند رسانه‌ای گنجینه روایات نور (نسخه ۱).

منابع لاتین

1. Mork, Bru Mork, Bruce (2006). "Rational Choice Theory" .[online] available: <http://www.d.umn.edu/~bmork/2306/Theories/BAMratchoice>.
2. Sutton, David (n.d.). "Ronald V.Clarke" .[online] available: <http://www.criminology.fsu.e-du/crimtheory/clarke.htm>.
3. Keel, Robert O. (2005). "Rational Choice and Deterrence Theory" .[Online] Available: <http://www.umsl.edu/~rkeel/200/ratchoc.html>.
4. Bouffard, J.A. & K.Wolf (2007). "Rational Choice Theory: A Crime-Related Perspective". in George Ritzer (ed.). *The Blackwell Encyclopedia of Sociology*. pp.3807-3810.